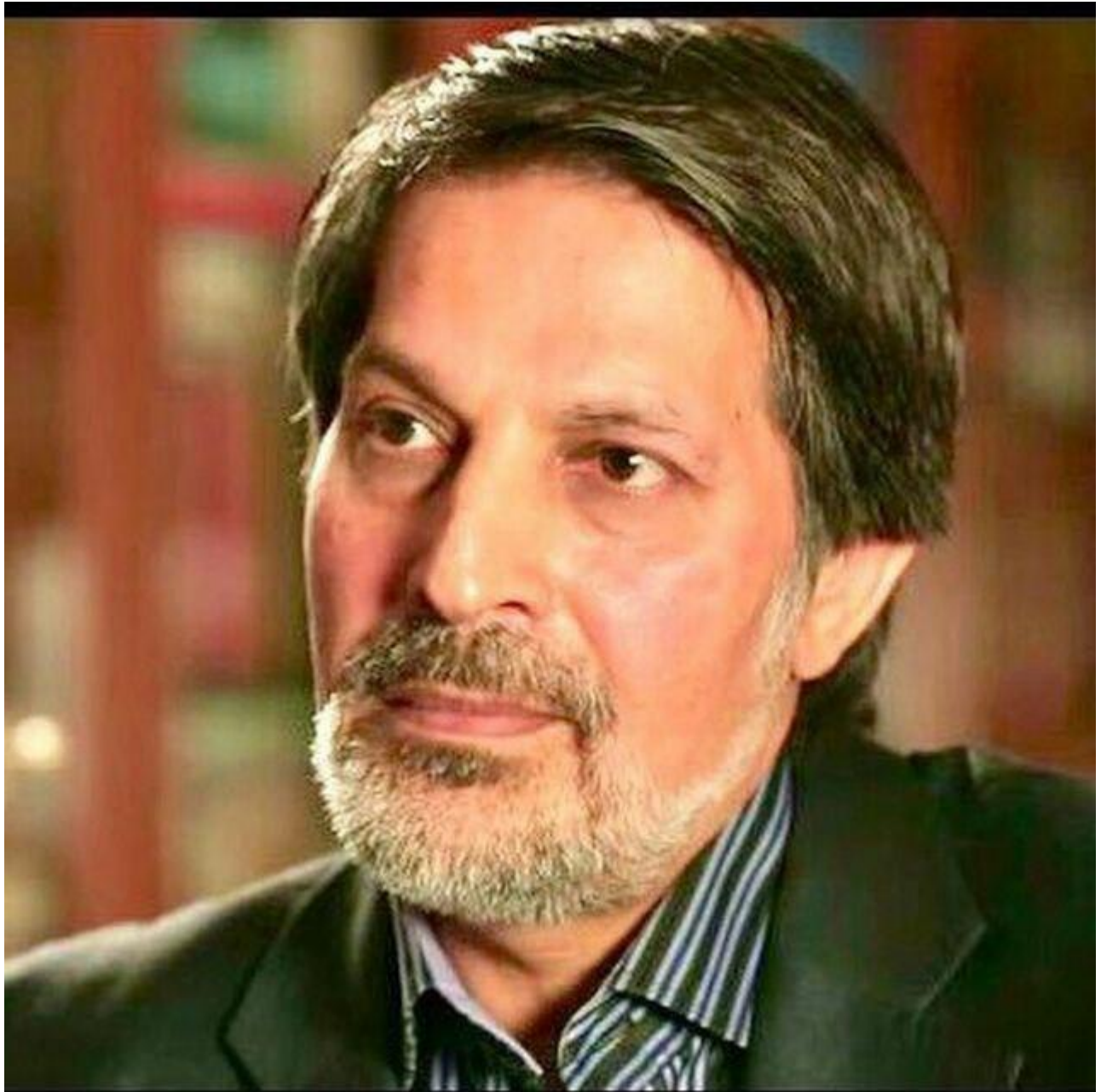


# آشفتگی‌های روانی؟

## عمادالدین باقی

برهنه شدن یا به صدا در آمدن زنگ خطر ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی دیدم از دستگیری مرد جوان و بلندقامتی که عریان مادرزاد بود و با عنوان خدای برهنه در کرج دستگیر شد. مردم او را کتک می‌زدند حتی وقتی که داخل ماشین پلیس رفت افرادی در را گشودند و مشت و لگد نثارش کردند. فرد دستگیر شده که از ماشین بیرون آمده بود دوباره با زور و ضرب پلیس داخل ماشین فرستاده شد. پلیس با جماعت همدل بود. صحنه رقت‌باری بود. در جامعه ایران اگر مردی با این وضع ظاهر شود خشم مردان به جوش می‌آید به ویژه اگر محلی باشد که زنان و دختران هم حضور دارند و می‌بینند ولی در مورد رفتار مشابه از سوی زنان واکنشها متفاوت است. چند روز پیش هم در ایستگاه مترو زنی کاملاً برهنه شده و نشسته بود وقتی لباس به او می‌دهند می‌پوشد و پیش از رسیدن مأموران از صحنه می‌گریزد. نکته‌ای که در پشت آن خشم و غیرت به جوش آمده مردم و پلیس پنهان می‌ماند و هیچ کس به آن توجه نمی‌کند، این است که چنین افرادی بیمار روانی‌اند اما با آنها مانند یک عاقل رفتار می‌شود. تکرار این صحنه‌ها که برای چندمین بار در تهران و برخی شهرهای دیگر رخ داده نشان‌دهنده تکثیر شدن یک نوع بیماری روانی است.



بخشی از این بیماری‌ها ناشی از شدت ناکامی‌ها و فشارهای عصبی است. در سال ۱۳۷۹ در زندان شاهد بودم که یک جوان رشید و خوش اندام زندانی به دلیل مدت طولانی حبس در سلول انفرادی، تعادل روانی‌اش را از دست داده بود و با برهنگی کامل کارهای نامتعارفی را انجام می‌داد مانند دفع و ادرار در سلول و آلوده کردن فضای کوچک و بسته سلول و باز کردن شیر آب که آب آلوده را به راهروها و سلول‌های دیگر سرایت می‌داد اما به جای اینکه متوجه علت مشکل روانی او بشوند ماموران با شوکر به جان او افتادند. وقتی به ماموران و به رییس بازداشتگاه به خاطر این رفتارها اعتراض شدید کرده و می‌گفتم او تعادل روانی‌اش را به خاطر رفتار همکاران خود شما از دست داده است، پاسخ دادند او تمارض و وانمود می‌کند که روانی شده است. این رخدادها نشان می‌دهد که جامعه و حکومت چقدر شبیه هم می‌اندیشند و تصور می‌کنند اگر کسی ظاهرش ایرادی نداشت حتماً روانش هم اشکالی

ندارد. یکی از دلایلی که مانع فهم مساله میشود، این است که بعضی آن را تبدیل به موضوع سیاسی میکنند یا جنبه اعتراضی به آن میبخشند. به عنوان يك احتمال نمیتوان آن را كاملا منتفی دانست اما معمولاً در مورد بعضی افراد محتمل است و هنگامی که این رفتار در محیطهای گوناگون تکرار شد، گزینه‌های دیگری چون مشکلات روحی، روانی محتمل‌تر است.

اگر درك کنند که اینها بیماری روانی هستند به جای خشونت و ضرب و شتم کردن می‌کوشند او را از انظار دور کرده و ترحم و به درمانش کمک کنند.

باید کارشناسان و صاحب‌نظران بیندیشند و همراه با مدیران بسیج شوند و مساله خشونت را به عنوان يك پدیده عمومی مورد مطالعه جدی قرار داده و اقدامات درمانی و پیشگیرانه لازم را انجام دهند. پدیده خشونت و آشفتگی‌های روانی یکی از بحران‌هایی است که اگر دیرتر مدیریت و درمان شود پیامدهای خطرناک و درازمدتی حتی برای نسل‌های بعد خواهد داشت.